

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال شانزدهم شماره ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۴۶-۲۹)

بررسی تعهد ادبی در شعر هاشم الرفاعی

۱- علی خضری

چکیده

احساس مسئولیت ادیب در برابر مسائل مربوط به جامعه را تعهد ادبی می‌گویند که یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبی در چند دهه اخیر به‌شمار می‌رود. شاعر یا نویسنده‌ای که به ارزش‌های انسانی پایبند است و احساس می‌کند که آن‌ها در حال سست شدن و تباهی هستند و خود را ملزم به انعکاس چنین مسائلی در شعر و نثر خود می‌داند، در حقیقت در راه تعهد ادبی گام برداشته است. هاشم الرفاعی شاعر معاصر مصری نیز از جمله کسانی است که با تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، شعرش را وقف رسالت خویش و بیان رنج‌ها و آرزوهای مردم سرزمین مصر نموده است. در این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی به این سوال اصلی پاسخ داده شده است که عوامل پیدایش و مهم‌ترین جلوه‌های تعهد ادبی در شعر هاشم الرفاعی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اوضاع نابسامان جامعه مصر به‌خاطر حاکمیت استبداد و نفوذ استعمارگران از عوامل اصلی گرایش شاعر به انجام تعهد ادبی وی است. او مدافع سرسخت ظلم‌ستیزی و دعوت به اتحاد بوده و بدین طریق هنر خویش را در خدمت هدفی والا و رسالتی انسانی قرار داده است. ستایش آزادی‌خواهان و مقابله با حاکمان فاسد از درون‌مایه‌های پربسامد در شعر شاعر است.

کلیدواژگان: شعر معاصر عربی، تعهد ادبی، مصر، هاشم الرفاعی.

۱- مقدمه

تعهد ادبی از مهم‌ترین موضوعات ادبی در چند دهه اخیر به‌شمار می‌رود که مخالفان و موافقان

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس بوشهر Email:alikhezri@pgu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۵

زیادی میان ادیبان و ناقدان داشته و هر یک به فراخور نظر و ایده خود آن را پذیرفته یا رد کرده‌اند. این رویکرد که معادل عربی آن «الالتزام» نامیده می‌شود (البعلبکی، ۱۹۹۵: ۱۵۷) عبارت از احساس مسئولیت ادیب و موضع‌گیری‌های وی در برابر مسائل مربوط به جامعه است. (برادۀ، ۲۰۰۱: ۳۲) ادیب متعهد، درک می‌کند که در چه برهه‌ای از زمان زندگی می‌کند و در کجای تاریخ ادبیات کشورش و جهان ایستاده است و «شاعر متعهد، شاعری است که پیوسته به انسان می‌اندیشد، فساد و ظلم را می‌بیند، در مقابل رنج انسان‌ها سکوت نمی‌کند و زبان اعتراض می‌گشاید. او پیوسته خشمی تسکین‌ناپذیر نسبت به زورگویان زیرپرست دارد و فساد حاکم را با شعرش به نقد می‌کشد (فارسیان و رضایی، ۱۳۹۱: ۵۶) این شاعر همان کسی است که پس از احساس تعهد، قادر است شاعران دیگری را که در مسیر آثار او قرار می‌گیرند، پویا و متحرک سازد و به بیان دیگر، خودآگاهی و تکامل ادراکات شاعران متعهد، زمینه تعهد و التزام در جامعه را ایجاد و تسریع می‌بخشد. ادبیات (شعر و نثر) بهترین نمایشنامه است که انسان با همه مظاهر روحی و جسمی در آن ظاهر می‌شود. "انسان، خود را در ادبیات مانند بازیگر و بیننده می‌بیند و ضربان قلبش را می‌شنود و شور و شوق روحش را در ارواح دیگران لمس می‌کند و آلام و رنج‌هایش را در جسم انسان هم‌نوعش احساس می‌کند" (نعیمه، ۱۹۹۳: ۵۶). سارتر در کتاب ارزشمند خود با نام *ادبیات چیست* می‌گوید، ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است شرکت کنیم. ما می‌خواهیم ادبیات وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت دوباره به عهده گیرد. همچنین او بر التزام نویسنده تاکید می‌کند و می‌گوید که نویسنده ملتزم می‌داند که سخن همانا عمل است و می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است (نجفی، ۱۳۵۶: ۴۲).

مسأله تعهد در ادبیات عربی به اشکال گوناگونی نمود یافته است. در شعر جاهلی شاعر زبان گویای قبیله بود. بزرگواری‌های قبیله را تثبیت می‌کرد و افتخارات آن را ترویج می‌داد. اما ادبیات اسلامی به طور کامل مملو از تعهد و همبستگی بود. در ادبیات اسلامی آنگاه که شاعران مسلمان و مشرکین در دفاع از اسلام یا دفاع از زندگی قریش پیش از اسلام، شعر می‌سرودند، تعهد و همبستگی مشهود بود (الفاخوری، ۱۳۷۷: ۳۴۸) در دوره اموی نیز به صورت درگیری‌های سیاسی احزاب همچون کشمکش بر سر مسأله خلافت نمود یافته است (أبو حاقه، ۱۹۷۹: ۷۱) اما در دوره معاصر با حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی، به خصوص جنگ‌های جهانی اول و دوم، تعهد رنگ تازه‌ای به خود گرفت و معنای تازه‌ای یافت. بدین ترتیب، تعهد بیانگر عمل یا موضع‌گیری هنرمند یا روشنفکری گردید که خود را متعلق به جامعه و دنیای عصر خویش می‌داند و تنها به تماشای حوادث زمان بسنده نمی‌کند،

بلکه اندیشه و هنر خود را در خدمت هدفی والا و انسانی قرار می‌دهد (سخاوتی، ۱۳۵۲: ۱۰۵) ظهور پیرنگ این نظریه در عصر حدیث به دورهٔ مقابله با گرایش «هنر برای هنر» برمی‌گردد. تعهد ادبی به معنی متحجر بودن در اندیشه نیست به این معنی که شایستهٔ ادیب نیست که شعری ذاتی و وجدانی بسراید، بلکه به معنی گرفتن موضعی سیاسی یا اجتماعی در ادبیات و پایبندی به آن و رهنمون شدن ادبیات به هدفی والا و رسالتی ارزشمند است (الماضی، ۱۹۸۶: ۲۲۰)

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

ادبیات قرن بیستم رابطه‌ای تنگاتنگ با تاریخ سیاسی و اجتماعی این عصر دارد. در حقیقت، ادبیات این قرن خود را از قید تخیلات محض شاعرانه رهایی بخشیده، و مادهٔ خام خود را از حوادث واقعی استخراج می‌نماید و ادبیات جدید با عنوان «ادبیات متعهد» پا به عرصه ظهور می‌گذارد. در قرن بیستم با حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی، به خصوص جنگ‌های جهانی اول و دوم «تعهد» رنگ تازه‌ای به خود گرفت و معنای تازه‌ای یافت. بدین ترتیب «تعهد» بیانگر عمل یا موضع‌گیری هنرمند یا روشنفکری گردید که خود را متعلق به جامعه و دنیای عصر خویش می‌داند و تنها به تماشای حوادث زمان بسنده نمی‌کند، بلکه اندیشه و هنر خود را در خدمت هدفی والا و انسانی قرار می‌دهد. از جمله شاعران متعهدی که شعر خویش را وقف میهن خود نموده هاشم الرفاعی است که موضوع بحث ما در این پژوهش است. این پژوهش به دنبال پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

- ۱- عوامل پیدایش مسألهٔ تعهد ادبی در اشعار هاشم الرفاعی چیست؟
- ۲- هاشم الرفاعی در اشعار خویش نسبت به چه مسائلی متعهد بوده است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

همان گونه که بیان گردید هاشم الرفاعی شاعری است که وجه غالب اشعار وی در خصوص میهن و دفاع از ملت ستم‌دیده خویش است. اما اشعار این شاعر از منظر تعهد ادبی مورد بررسی قرار نگرفته است و مقالهٔ حاضر اولین پژوهش در این راستاست و به شناخت هر چه بیشتر تعهد ادبی در میان شاعران مصری و به ویژه در شعر هاشم الرفاعی کمک خواهد نمود؛ چرا که این شاعر علی‌رغم داشتن احساسات صادقانه و اشعار صریح و والا همچنان ناشناخته باقی مانده است و بررسی و شناسایی شعر وی به غنای مباحث علمی و ادبی خواهد افزود.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

در این پژوهش، با توجه به هدف و سؤالات مطرح شده مهم‌ترین جلوه‌های تعهد ادبی را در شعر هاشم الرفاعی با روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماییم. به این صورت که ابتدا ابیات مرتبط با مسائل و مشکلات جامعه شاعر استخراج شده و سپس از منظر تعهد ادبی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱- پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهش‌های ارزشمندی در خصوص تعهد ادبی در قلمرو زبان و ادبیات عربی صورت گرفته است که آن جمله: پایان نامه «الالتزام فی الشعر الاسلامی الفلستانی المعاصر» نوشته جواد اسماعیل عبدالله الهشیم است که در سال ۲۰۱۰ میلادی در دانشگاه غزه دفاع شده و نویسنده تعهد سیاسی و اجتماعی شاعران فلسطینی را بررسی نموده است. پایان نامه «الالتزام فی شعر محمد مهدی الجواهری» نوشته علی اکبر مرادیان که نویسنده به بررسی و تحلیل اشعار جواهری از منظر ضرورت دفاع از حقوق مردم و سایر مسائل سیاسی و اجتماعی پرداخته است. و همچنین مقاله «مضامین تعهد ادبی در شعر فاروق جویده» نوشته مرتضی قائمی، فرامرز میرزایی و مجید صمدی که در شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ در مجله ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است و نویسندگان به نحوی مطلوب به تحلیل جنبه‌ها و مضامین تعهد ادبی فاروق جویده در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی پرداخته‌اند اما از جمله پژوهش‌هایی که در شعر هاشم الرفاعی صورت گرفته عبارت است از مقاله «أسلوب الإستفهام فی شعر هاشم الرفاعی (دراسة نحویة)» نوشته احمد ابراهیم الجذبیه که در شماره یازدهم مجله الجامعة الاسلامیه غزه در سال ۲۰۰۳م به چاپ رسیده است و نویسنده به بررسی ادوات استفهام در دیوان شاعر بر اساس روش تحلیلی - آماری پرداخته است.

۲- اوضاع سیاسی - اجتماعی مصر

در میان کشورهای عربی مصر سرزمینی است که به‌خاطر ذخایر عظیم و موقعیت استراتژیکی همواره مورد مطامع بیگانگان مخصوصاً استعمار فرانسه و انگلستان قرار داشته است. پس از اینکه کشورهای استعمارگر بر مصر یورش آورده و مفاد پیمان نامه‌های سیاست تحت الحمایگی را اجرا کردند، حس خشم و عصبان و میل باز یافتن حقوق بر باد رفته در دل مردم بیدار شد، و انقلاب و قیام‌های داخلی برای کسب آزادی و استقلال برپا گردید. این مبارزات تنها به رویارویی نظامی

منحصر نبود بلکه زبان و قلم نیز در این میدان وارد شد. از این رو روشنفکران و فعالان سیاسی، حاکمان و رهبران سیاسی را از حیل‌های استعمارگران، آگاه کرده و به محکومیت این نیرنگ‌بازها پرداختند. از جمله جنبش‌های مردمی که در مصر ظاهر گردید جنبش آزادی‌بخش ملی بود که در رأس آن محمد عبده، سید جمال الدین اسدآبادی، ادیب اسحاق، عبدالله ندیم و دیگران قرار داشتند. این افراد مردم را به آگاهی از شرایط موجود در سرزمین‌های عربی فرا می‌خواند (لوتسکی، ۱۳۴۹: ۲۰۹-۲۱۰). هر شاعری نیز در درون خویش احساس می‌کرد که او و ملتش قربانی خدعه و نیرنگ شده است، از این رو حس بی‌اعتمادی نسبت به غرب در میان آن‌ها جوانه زد. روحیهٔ عدم اعتماد به غرب و استعمارگران غربی عکس‌العمل شدیدی نزد شاعران پیدا کرد، تا جایی که این حس، با روش‌های مختلف در اشعارشان به تصویر در آمد. در این میان یکی از شخصیت‌های برجسته که مخالفت خود را با حاکمان و نیروهای بیگانه حاضر در مصر با اشعار خویش بیان نموده هاشم الرفاعی است. وی یکی از معروف‌ترین شاعران متعهد و معاصر مصر است که گرایش‌های سیاسی و اجتماعی و پرداختن به غم مشترک انسان‌ها، جهان شعر او را پر کرده و ذهن دقیق و ظریفش را به این مهم توجه داده است.

۳- شرح حال و زندگی هاشم الرفاعی

هاشم الرفاعی در سال ۱۹۳۵ میلادی در روستای أنشاص الرمل در مصر دیده به جهان گشود. وی پس از فراگیری دانش ابتدائی و حفظ قرآن در کودکی به الأزهر پیوست. وی در سن ۱۲ سالگی سرودن شعر را آغاز نمود و در دوران تحصیل نیز در بین دوستان بسیار فعال بود. او دانشجویان را در راهپیمایی‌ها و جشن‌ها هدایت می‌کرد و آنان را بر ضد استعمار انگلیس و نظام حاکم به‌خاطر اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی در مصر ترغیب می‌نمود. وی به دلیل چنین اعتراض‌هایی بر ضد دولت، به مدت دو سال از مدرسه اخراج شد تا اینکه سرانجام در عنفوان جوانی در سال ۱۹۵۹ میلادی در روستای خود به دنبال اختلاف در اداره باشگاه ورزشی کشته شد. (الرفاعی، ۱۴۰۵: ۱۹)

۴- جلوه‌های تعهد ادبی در شعر هاشم الرفاعی

دورهٔ سلطهٔ استعمار بر کشورهای خاور میانه و مشرق زمین که غالباً با تهدید و تحقیر ملت‌ها و نادیده گرفتن حقوق اجتماعی و فردی آنها توأم بود، موجب می‌شد تا آنانی که درد جامعه را احساس می‌کردند و تعهد اجتماعی را بر امیال و عواطف شخصی مقدم می‌داشتند برای خود رسالتی

قائل شوند و از کنار دردهای جامعه بی‌اعتنا نگذرند. (خلیلی جهانتیغ و رضایی، ۱۳۹۲: ۳۴) این باور و مسئولیت‌پذیری در قبال آلام جامعه، ریشه در تعهدات اخلاقی و وجدانی افراد دارد که رنج و دشواری‌های جامعه را رنج خود می‌بینند و از سکوت و صحنه گذاشتن بر وضع موجود خودداری می‌کنند. هاشم الرفاعی نیز چنان که گفته شد شعر خود را در خدمت اعتلای وطن خویش قرار داده است. اینک به بررسی مهم‌ترین و پربسامدترین جلوه‌های تعهد ادبی در شعر این شاعر می‌پردازیم:

۱-۴- نوید به آزادی و آینده‌ای آرمانی

روحیه آزادی و آزادی‌خواهی یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام والایی قائل است و هرگاه قدرتمندی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از وی باز ستاند در برابر او ایستادگی نموده و به قیمت جان آن را پاس خواهد داشت. اما اگر این آزادی سلب شود، انسان دل به امید آزادی می‌سپارد. «امید فرایند فعالی است که جان را از رکود و افسردگی می‌رهاند و کلیدی طلایی برای گشودن بن‌بست‌ها و فرارفتن از رخوت‌هاست.» (عمادی، ۱۳۷۰: ۳۷۱). شاعران متعهد، در ابراز احساسات عمیق نسبت به سرزمین خود و نیز در ایجاد بارقه امید نسبت به آینده‌ای آرمانی در میان هموطنانشان نقش فعالی را ایفا نموده‌اند. آنان همواره روحیه امید و رسیدن به آزادی و آینده‌ای آرمانی را با اشعار خود در مردم تزریق می‌کنند. رجا النقاش معتقد است که اصولاً شعر انقلابی، شعری است خوشبین به آینده، زیرا انقلابی‌گری به معنای آن است که شاعر، طالب تغییر وضع موجود است؛ در این صورت طبعاً وضع مطلوبی در نظر دارد که امیدوار است به آن برسد. (النقاش، ۱۹۷۲: ۹۱) هاشم الرفاعی نیز همواره در اشعار خویش فریاد آزادی‌خواهی سر داده و نوید به آینده‌ای آرمانی می‌دهد:

إِذَا أَنْ لَابِنِ النَّيْلِ أَنْ يَدْرِكَ النَّصْرَا أَنْ لِهَذَا اللَّيْلِ أَنْ يُظْهِرَ الْفَجْرَا
فِيَا مِصْرَ هَذِي سَاعَةَ الْمَجْدِ قَدْ دَنَتْ وَيَا وَاوِي الْأَحْرَارِ عَدَتْ لَنَا حَرًّا
(الرفاعي، ۱۴۰۵: ۱۶۰)

ترجمه: وقت آن است که مصریان به پیروزی رسند. وقت آن رسیده که تاریکی شب فرو رود و صبح آشکار گردد. ای مصر، لحظه مجد و عظمت نزدیک شده است. ای سرزمین آزادگان، آزادانه به دست ما برگشتی.

شاعر به هم‌میهنان خود امید می‌دهد که پیروزی بسیار نزدیک است و مصریان ثمره جهاد و تلاش

را به زودی خواهند چشید. او نوید می‌دهد که پرتو صبح با دمیدن خویش پرده‌های تاریکی را کنار خواهد زد و آن لحظه، لحظه شوکت و سربلندی است که سرزمین آزادگان، آزاد خواهد گردید و به دست فرزندان آن خواهد افتاد. او گاهی به شهیدان سوگند یاد می‌کند که خورشید دمیدن خواهد گرفت و شادمانی و مسرت در همه جا جاری و ساری می‌گردد:

بشهیّدک الملّقی علی سفح المجازر بالسّخط یغلی فی القلوب وفی الحناجر
سنفجر الأضواء فی تلک الدیاجر وتسیل أفرح الحیاء علی المقابر
(همان، ۳۶۴)

ترجمه: قسم به آن شهید به خاک افتاده‌ات در شهادت‌گاه. قسم به خشم به جوش آمده در دل‌ها و حنجره‌ها. ما روشنایی را بر آن دخمه‌های تاریک بر خواهیم تاباند تا شادی زندگی در خراب‌خانه‌ها سرازیر شود.

شاعر، شهیدان به خون غلطیده در آوردگاه را به قسم می‌گیرد که خشم‌های به جوش آمده در حنجره‌ها سرانجام به نتیجه می‌رسد و رزمندگان با پیروزی بر دشمنان، شادی را به خانه‌های بی‌روح و فقیری که همچون قبرستان گردیده‌اند به ارمغان می‌آورند. وی این معنا را بارها در اشعار خویش تکرار نموده است که از پشت این تاریکی‌ها و نابسامانی‌ها روشنی است و سرانجام پیروزی با حق است، هر چند که مصیبت‌ها و بلاها فراوان و راه پیروزی سخت و دشوار باشد:

لکنّما الظلماء یتلوها ضحی واللیل یعقبه ضیاء ساطع
والحق بالنّصر المبین متوجّج أبداً وإن کثر البلاء الواقع
(همان، ۱۳۶)

ترجمه: پشت هر تاریکی، روشنی است و در پشت شب، نوری درخشان است. حق با پیروزی درخشان آمیخته است، هر چند بلا و مصیبت بسیار باشد.

تزیین به زیور امید از اصول و پایه‌های شعر هاشم الرفاعی است. او فرزندان وطن را تشویق می‌کند تا با امید و ایمانی کامل قدم در راه مقابله با دشمنان و عقب راندن آن‌ها نهند. البته "تجلی مفاهیم آرمانی برای مردم کشورهای تحت سلطه متجاوز، بیشتر شبیه یک آرزو است؛ چرا که بروز و ظهور عدالت، آزادی و صلح، نیاز به بسترسازی مناسب دارد." (روشنفکر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۳)

۲-۴- رثای شهیدان و مبارزان راه آزادی

شهید و فرهنگ شهادت مسأله‌ایست که دین اسلام برای آن منزلت والایی در نظر گرفته است. از منظر اسلام کسانی که در راه خدا جان‌فشانی می‌کنند نه تنها مرده نیستند، بلکه زندگانی هستند که در نزد خدای خود کسب روزی می‌کنند: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾. (آل عمران/۱۶۹) بزرگداشت شهیدان میهن که جان خویش را در راه پاسداری از وطن و دین فدا کردند از شاخص‌ترین مضامین در شعر شاعران متعهد و مقاومت نیز به شمار می‌رود؛ چرا که مبارزان راه آزادی و مردمی که به دست دژخیمان نظام سلطه‌گر جان باخته‌اند، نماد عظمت و الگوی فداکاری در شعر مقاومت هستند. (روشنفکر و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۳) هاشم الرفاعی نیز همواره شهیدانی که در راه آزادی میهن جان‌فشانی نموده‌اند را می‌ستاید و بر آنان درود می‌فرستد:

سَلامٌ على تلک الدماء التي مضت تَراق لکی نلماک قانیة حمرا
سَلامٌ على ذاک الشبَابِ الذی انطوى آثر دون المجد أن یسکن القبرا
(الرفاعی، ۱۴۰۵: ۱۶۰)

ترجمه: سلام بر آن خون‌هایی که ریخته شد تا اینکه تو را خون آلود و سرخ ببینیم. سلام بر آن جوانی که در راه مجد و سربلندی میهن شهادت را برگزید.

شاعر بر شهیدان به خون خفته میهن درود می‌فرستد؛ کسانی که در راه سربلندی و عزت میهن جان خویش را فدا نمودند. گاهی نیز رشادت‌ها و دلاوری‌های آنان به وقت کارزار را خاطر نشان می‌کند و اینکه همچون شیر دمان بر دشمنان حمله‌ور می‌شدند و بدین طریق هم یاد و خاطره آنان را گرامی می‌دارد و هم روحیه مبارزه را در دل جوانان زنده نگه می‌دارد:

أیُّها السَّائِرُ عَنَّا نَحْوَ جَنَّاتِ الخُلُودِ
السَّلامُ عَلَیکَ مِنَّا یومَ ضَمَّتْکَ اللُّحُودِ
کُنْتَ کَالأسَدِ قَویاً تصرَعُ العاتِیَ المریدِ
عِشْتَ فی الأذهانِ حَیاً خالداً الدَّهْرِ المَیدِ
(همان، ۲۲۱)

ترجمه: ای کسی که از پیش ما به بهشت جاودان رفتی، سلام ما بر تو باد از آن روزی که قبر تو را در بر گرفت. تو همچون شیر قوی بودی و دشمنان سرکش را به خاک می‌افکندی. یاد تو در طول روزگار در اذهان زنده خواهد بود.

تأکید بر زنده بودن شهید از جمله مواردی است که علاوه بر تسلی خاطر خانواده‌ها موجبات تقویت عواطف آنان را هم فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که بتوانند در جامعه سربلند زندگی کنند. بدیهی است این غرور، غرور مثبتی است که در وابستگان شهید به خصوص فرزندان شهدا باعث ایجاد حس افتخار است. هاشم الرفاعی نیز همواره یاد شهیدان را زنده نگه می‌دارد و خاطر نشان می‌کند که یاد آنان در طول روزگاران در دل‌ها زنده است. گاهی نیز شاعر به یاد شهیدان سرشک خون جاری می‌کند و راه آنان را می‌ستاید که چگونه با نثار جان، راه پاسداری از میهن را به او آموختند:

ردّوا الأشعار فی ذکری الشّهِید	وار فَعُوا الأَعْلَامَ فی یومِ الفَقید
یا فتی الإقدام یا رمز الفدا	قد جری الدّمع دماً فوق الخدود
نم قریر العین قد علّمنا	کیف بالروح لیدی الکرب نجد

(همان، ۲۲۶)

ترجمه: به یاد شهید شعار دهید و در روز تشییع او پرچم‌ها را برافرازید. ای دل‌آور، ای رمز فداکاری! اشک‌های به خون آغشته ما بر گونه‌ها جاریست. تو آسوده خاطر بخواب که به ما یاد دادی چگونه به وقت گرفتاری جان را فدا کنیم.

شاعر با خطاب نمودن شهید راه آزادی، او را رمز فداکاری می‌داند که در فقدان او سرشک خون از دیدگان جاریست، با این حال از او می‌خواهد که آسوده خاطر سر بر بالین خاک گزارد؛ چرا که راه او ادامه دارد. لذا شاعر با عاطفه‌ای حزین و اندوهناک که بر اشعارش سایه افکنده است، درس جاودانگی را ارائه می‌دهد و از بزرگ مردان عرصه پیکار تکریمی شایسته و بایسته به عمل می‌آورد.

۳-۴- بیان درد و رنج مردم ستمدیده

وقتی استعمار در عمق ارکان فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد جامعه‌ای ریشه دواند، نخستین گروهی که صدمه و آسیب جدی می‌بیند عامه مردم و طبقه زحمتکش جامعه است. بر اساس گواه

تاریخ، استعمار همیشه ضد انسانیت در حرکت بوده و به خاطر وحشتی که از اسلام داشته، همیشه تهدیدات زهر آلود خود را علیه این دین در دستور کار خود قرار داده است. (ممتحن و مهاجر، ۱۳۹۲: ۲۱) از این روی بیان درد و رنج و مصیبت‌های مردم در شعر هاشم الرفاعی که شاعری متعهد و ملتزم است، از بسامد بالایی برخوردار است. او از وقوع این حوادث و مصیبت‌هایی که دامن هم میهنان وی را گرفته و شادی و شور را از آنان بازستانده بسیار ناخرسند است:

و کیف نفرح والأحداث قد ترکت بالقلب حزن وبالعینین تسهید
(الرفاعی، ۱۴۰۵: ۴۲۱)

ترجمه: چگونه شاد باشیم حال آنکه مصیبت‌ها در دل‌ها اندوه و در چشمان بی‌خوابی بر جای گذاشته است.

حوادثی که استعمار و حاکمان دست نشانده آنان در دل مردم برجای نشانده آنقدر بزرگ است که خواب را از چشمان مردم ربوده و دل‌ها را سرشار از اندوه و ناراحتی نموده؛ به گونه‌ای که آرام و قرار را از شاعر گرفته است. این مصیبت‌ها چونان کوه بزرگند و دردی را که آنان بر دل نهادند هرگز التیامی نیست:

هذی النوائب یا للناس قد نصبت فوق الرؤوس كأبراج من الغمم
لو أنصفوا أصلحوا من شأن أنفسهم فجزحهم لیس فی الوری بملمتتم
(همان، ۱۰۸-۱۰۹)

ترجمه: ای مردم این مصیبت‌ها همچون برج‌هایی از ابر بر سر ما افراشته شده است. اگر آنان انصاف داشتند امور خود را اصلاح می‌کردند. زخم‌های که بر مردم وارد کردند را التیامی نیست.

شاعر مصیبت‌هایی را که استعمارگران و حاکمان مستبد بر سر مردم آوردند را آنقدر بزرگ می‌داند که آنها را به برج‌های مرتفعی از ابر تشبیه می‌کند و زخم‌هایی که در دل مردم به وجود آوردند نیز آنقدر بزرگ است که هیچ وقت التیام و درمانی نیست. او آنان را خارج از عدل و انصاف قلمداد می‌کند که اگر ذره‌ای انصاف داشتند خود را اصلاح می‌نمودند. اما شاعر تنها به بیان غم و اندوه مردم سرزمین خویش بسنده نمی‌کند، بلکه حوادث بسیاری از کشورهای اسلامی همچون تونس، لیبی، الجزایر و سودان را به تصویر کشیده است. به عنوان مثال او در مورد مردم مظلوم و

ستم‌دیده یمن می‌گوید:

انظر لصنعاء اليوم والأرجاء تجد الدمار أقدام في الأنحاء
تجد الحروب وقد تفاقم شرها في الأرض حيث جرى دم الشهداء
(همان، ۳۴۰)

ترجمه: امروز به شهر صنعا و حوالی آن بنگر که همه جا را خراب و ویران می‌بینی. می‌بینی که جنگ و مصیبت‌های آن همه زمین را فرا گرفته است به گونه‌ای که باعث ریختن خون شهیدان بیشماری شده است.

واضح است که شاعر خود را در قلمرو جغرافیایی میهن خویش محصور نساخته؛ بلکه زبان گویای سایر مسلمانان نیز بوده است که البته این خود از ویژگی‌های شاخص شاعران متعهد مسلمان است که از بیان درد و رنج سایر مسلمانان نیز غافل نمی‌مانند.

۴-۴- دعوت به بیداری

رشد و شکوفایی هر جامعه‌ای در سایه امنیت و آسایش آن اجتماع فراهم می‌شود و این امر جز با رعایت عدل و خودداری از ظلم بر مردم تحقق پیدا نخواهد کرد. برخی از حاکمان محلی در کشورهای عربی، دست‌نشانده بیگانگان بودند و از آن‌ها فرمان می‌بردند. آنان نسبت به بدبختی جامعه عربی بی‌توجه بودند و گرچه خود را به ظاهر، خدمتگزار مردم می‌دانستند؛ اما در حقیقت هر گونه تصمیمی که اتخاذ می‌کردند، به زیان مردم رنجیده و ستم‌دیده گرفته می‌شد. از این رو طبقه روشنفکر جامعه، از جمله شاعران، وظیفه خود می‌دیدند که با اشعار خود، به مردم آگاهی دهند و آنان را از ظلم این حاکمان، با خبر سازند. متفکران جامعه و به طور ویژه قشر هنرمند، وقتی خود حقیقی خویش را شناخته و از قابلیت‌های وجودی خویش آگاهی حاصل نمودند، همواره در بیانات و آثار هنری خود مخاطبان را به شناخت و کسب معرفت دعوت می‌کنند. هاشم الرفاعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. شعر او مانند آینه‌ای درخشان در راه روشنگری‌ها و حرکت‌های انقلابی در مصر و همه ملت‌های مسلمان است؛ زیرا او همواره پیام‌آور دعوت به عدالت، آزادی، آگاهی و بیداری می‌باشد؛ شاعری آگاه که با سروده‌های دردآلود خویش به خفت و نکبت حکام فاسد می‌تازد. او گاهی زبان به توبیخ می‌گشاید و شکوه سر می‌دهد:

كان هذا الشرق في الدهر فتي حين كان الغرب طفلاً ما حبا

أین نحن الیوم من ركب الألی و طَدُوا لِلْعِلْمِ هذی الطَّنْبَا
(همان، ۳۵۴)

ترجمه: آن هنگام که شرق به کمال رسید، غرب همچون طفلی بود، که می‌خزید. امروز ما چقدر فاصله داریم با گذشتگان خود که ریسمان علم را یافتند.

شاعر در این ابیات از عقب ماندن مسلمانان گله‌مند است چرا که هنگامی که شرقیان در علم پیشرفت داشتند هنوز غربیان در گام نخستین بودند و همچون کودکی بودند که توان راه رفتن ندارد بلکه بر زمین می‌خزد. اما اکنون شرقیان را پسرفت چشمگیری حاصل شده و غربیان در پیشرفت علم گوی سبقت را از شرقیان ربوده‌اند. او ناخرسند است که چرا مسلمانان نتوانستند راه گذشتگان را در پیشرفت علم ادامه دهد لذا از آنان می‌خواهد که از خواب غفلت بیدار گردند:

یا بنی الإسلام هبوا و انهضوا لا تنا موا، بلغ السیِّلُ الزُّبى
ربَّ سیفٍ صارمٍ ذی نبوةٍ وجوادٍ سابقٍ یوماً کبا
(همان، ۳۵۷)

ترجمه: ای مسلمانان به هوش آید و برخیزید. نخواهید که کار از کار گذشته است. بسا شمشیر تیزی که لبه آن کند شود و اسب تندرویی که دچار لغزش شود.

شاعر از مسلمانان می‌خواهد که از خواب غفلت برخیزند؛ چرا که کار از کار گذشته است. اما با این وجود او به جوانان دل‌داری می‌دهد و بارقه امید را دل آنان زنده نگه می‌دارد. او می‌گوید هر چند که دیر شده است اما جای سرزنش و نشستن و درنگ کردن نیست به هر حال شمشیرهای برنده نیز روزی کند می‌شوند و اسب‌های پیشتاز و اصیل نیز بسا که دچار لغزش شوند پس جای توبیخ نیست بلکه جای خیزش است و انقلاب، و در هر حال نباید ناامید بود چرا که بالاخره فساد و تباهی توسط عالمان دینی از جامعه قلع و قمع خواهد شد:

إن کان ساءک أن أرضک قد غدت مرعی به ذئب الغوایة یرتع
فهناک جند قام یسعی جاهداً فی الدین یقتلع الفساد وینزع
(همان، ۱۳۵)

ترجمه: آزرده دل مباش اگر سرزمینت تبدیل به چراگاهی شده که گرگ گمراهی و طمع‌ورزی در

آن می‌چرد؛ چرا که کشورت لشکری مجاهد دارد که همواره در راه دین تلاش می‌کند تا ریشه فساد و تباهی را برکند.

۵-۴- دعوت به اتحاد و همبستگی

وحدت، یکپارچگی و همدلی همواره یکی از عوامل پیروزی ملت‌هاست و از سوی دیگر تفرقه و از هم گسیختگی زمینه فروپاشی و شکست آنان بوده است. سرزمینی که ملت آن وحدت را در دستور کار خود قرار داده است به راحتی جلوی دشمنان کمر خم نمی‌کند؛ پس بدون شک در وحدت مسلمانان قدرت و برتری است، و در تفرقه و جدایی‌شان فرصتی است برای دژخیمان تا بر وطن خیمه بزنند. دشمن تمام سعی خود را به کار می‌گیرد تا صف‌های یکپارچه مردم را متفرق سازد و آن‌ها این زره ارزشمند را از دست بدهند. هاشم الرفاعی دعوت به یکپارچگی را امری مهم بر دوش خود می‌داند و آن را مسأله مهمی برای پیروزی به شمار می‌آورد و به همین دلیل هم‌وطنانش را به وحدت دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که نفاق و تفرقه را کناری نهند که تفرقه اساس هر شکستی است:

إِنَّ التَّفْرُقَ أَسَّ كُلِّ هَزِيمَةٍ فِتْعَاوَنُوا لِنَفُوزٍ بِالْأَعْدَاءِ
وَلِنَلْحَقْنَهُنَّ بِهِمْ أَشَدَّ مَصِيبَةٍ وَلِنَقْهَرَنَّ الْقَوْمَ فِي الْهَيْجَاءِ
(الرفاعی، ۱۴۰۵: ۳۴۱)

ترجمه: تفرقه اساس و شالوده هر شکستی است. پس همت کنید تا بر دشمنان پیروز شویم و بدترین و سخت‌ترین مصیبت را بر آنان وارد کنیم و در جنگ آنان را شکست دهیم. شاعر از هم‌میهنان خویش می‌خواهد تا تفرقه را که اساس هر شکست و نابسامانی است رها سازند؛ چرا که اتحاد و دوری از تفرقه است که مایه پیروزی در جنگ و تار و مار نمودن دشمنان است. اگر دل‌ها با هم به اتحاد برسند هیچ چیز جلودار آنان نیست و همچون دژ استواری می‌مانند که در برابر دشمنان غیر قابل نفوذ است:

فَدَعُوا التَّفْرُقَ وَالشَّقَاقَ وَهَيَّئُوا لِّلنَّيْلِ عِزًّا كَالْقَدِيمِ رَفِيعَا
إِنَّ الْقُلُوبَ مَتَى تَوَحَّدَ رَأْيُهَا كَانَتْ لَهُ حَصْنًا أَعَزَّ مِنْعِيَا
(همان، ۱۳۱)

ترجمه: تفرقه و شقاق را کنار بگذارید و برای مصر همچون گذشته عزتی سربلند بسازید. وقتی که دل‌ها با هم متحد و یکپارچه گردند همچون دژی استوار و غیر قابل نفوذ خواهند بود.

شاعر از هم‌میهنان خویش می‌خواهد که جهت رساندن مصر به عزت و سربلندی تفرقه و نفاق را به کناری نهند که تفرقه مایه عقب‌افتادگی و اتحاد رمز پیروزی است. اگر دل‌ها با هم یکرنگ و یک رأی گردند هیچ دشمن و هیچ استعمارگری توان غلبه نمودن بر کشور را ندارد. لذا شاعر همواره توصیه می‌کند که مردم متحد باشند، اتحادی که ثمره آن با عمل تجلی می‌یابد:

سارعوا للمجد یا کنز الأمل بأتّحادٍ ونظامٍ وعمل
کلُّ من سارَ علی الدّربِ وصل فاعلموا والله یرعی الأوفیاء
(همان، ۱۵۳)

ترجمه: ای گنجینه‌های آرزو با اتحاد و همبستگی و عمل به سوی مجد و بزرگی بشتابید. هر کس که رهرو باشد خواهد رسید پس بدانید که خداوند از وفاداران محافظت می‌کند.

لذا یکی از دغدغه‌های اصلی شاعر فقدان اتحاد بین مردم است و بیشتر اشعار وی حول این مضمون می‌چرخد. او همواره نه تنها میهن خویش را به اتحاد در برابر دشمنان و استعمارگران دعوت نموده، بلکه از نبود اتحاد میان مسلمانان نیز خرسند نیست و زبان شکوه سر داده است.

۶-۴- استعمارستیزی

استعمار در زبان عربی به معنی طلب عمران و آبادی است و در اصطلاح «تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی یک ملت قدرتمند بر سرزمین یا قوم یا ملت ضعیف است». (آشوری، ۱۳۵۸: ۱۵) در طرف مقابل نیز مقاومت و استعمارستیزی وجود دارد. اصولاً مقاومت در برابر ظلم و مبارزه با نظام‌های ظالم در طول تاریخ، امری مسلم بوده و آن‌گاه که ملتی در برابر ظالمان به مبارزه برمی‌خیزد، غیر از اسلحه و آلات جنگی، از ادبیات نیز بهره می‌گیرد؛ ادبیاتی که موضوع آن بیدار نمودن ملت‌ها و دعوت به مبارزه و قیام است. در ادبیات عربی نیز انتشار فلسفه ضد استعماری از زمانی آغاز گردید که اندیشمندان عرب، مردم را به آگاهی از اهداف شوم استعمار و همچنین قیام بر علیه استعمارگران اشغالگر دعوت نمودند. در این میان فشار، خفقان و تبعیضی که دولت‌های استعمارگر بر ملت‌ها اعمال می‌کردند، زمینه را برای پذیرش ایده ضد استعماری در اذهان شهروندان آماده می‌ساخت. از میان کشورهای عربی مصر همواره مورد تاخت و تاز کشور استعماری انگلیس قرار داشته است، از

این رو همواره خطاب هاشم الرفاعی با استعمار پیر، انگلیس است:

واضرب ذناب الإنجلیز وقل لها شمس التغطرس أذنت بدلوك
لم ألقَ مثل الإنجلیز تعالبا عرفوا الدهاء المحض فی نادیک
(الرفاعی، ۱۴۰۵: ۱۳۸)

ترجمه: انگلیسی‌های گرگ صفت را بران و به آنان بگوی که خورشید نخوت و خودخواهی روی به افول نهاده است. فریبکاری همچون انگلیسی‌ها ندیدم که همواره دنبال منافع خود هستند. شاعر از مردم خویش می‌خواهد که در برابر انگلیسی‌های گرگ صفت قد علم کنند و دمی غافل نشینند. او جوانان را خطاب قرار می‌دهد تا به گوش این استعمار پیر برسانند که زمانه خودکامگی و استعمار کردن کشورها رو به افول است و مردم بیدارند. او گاهی آنان را به گرگ تشبیه نموده که درنده‌خویی از صفت بارز آن است و گاهی نیز آنان را به روباه تشبیه نموده که به فکر فریفتن دیگر کشورها هستند. با این حال استعمارگران هر چند که گرگ یا روباه صفت باشند باید از کشور مصر بیرون رانده شوند:

آن أن یطرد من مصر الدّخیل حان للقوم جلاء ورحیل
لیس شعب الذّیل بالشّعب الذّلیل إنّه فی الحرب مشهود اللّقاء
(همان، ۱۵۳)

ترجمه: وقت آن رسیده که بیگانگان از سرزمین مصر بیرون رانده شوند. مردم مصر مردمی خوار و ذلیل نیستند بلکه شجاعت و دلاوری آنان در رویارویی با دشمنان مشهود است. بدین طریق شاعر مصریان را علیه استعمارگران ترغیب می‌کند و مردم کشور خویش را مردمی شجاع و تسلیم‌ناپذیر می‌پندارد که همواره در برابر بیگانگان قدم علم می‌کنند و اجازه به تاراج رفتن منافع ملی را نخواهند داد. هم آنان هستند که همواره مرد میدان جنگ و کارزار هستند. گاهی نیز شاعر جهت تقویت روحیه استعمارستیزی در هم‌میهنان خویش سیمای مردان مبارز و استعمارستیزان زمانه را به تصویر می‌کشد. او در یکی از قصاید خویش به دکتر مصدق اشاره دارد که چگونه در برابر استعمار پیر ایستاد و نفت را ملی کرد:

رأی ایران قد أضحت بنیها تساق إلى القيود وتسترقّ

فشاء لنیل عزّتها بلوغاً ولو كان الوصول لها يشق
فأرهب جند الإستعمار حتى أذكت منه في عبادان عنق
(همان، ۳۴۷-۳۴۸)

ترجمه: او فرزندان ایران را دید که چگونه همچون بردگان در غل و زنجیرند. پس خواست ایران را به عزت خود برساند هر چند راهی بس سخت و دشوار باشد. پس استعمارگران را چنان ترساند که گردن آنان در آبادان شکست و خوار و ذلیل شدند. همانطور که مشاهده می‌شود شعر شاعر بدون هیچ‌گونه محافظه‌کاری و یا ملاحظات سیاسی و امنیتی با صراحت هر چه تمام‌تر سروده شده و زبان به مذمت عملکرد کشورهای استعماری گشوده و به افشای مقاصد پلید آنان پرداخته است. شعر روان، پرشور و گیرای وی که بسیار ادبی و هنرمندانه سروده شده، چونان پتکی آهنین بر کالبد استعمار نواخته می‌شد. اشعار جسورانه و پر اقتدار او خون هر وطن‌خواهی را به جوش می‌آورد.

۵- نتیجه

تحلیل اشعار هاشم الرفاعی نشان می‌دهد که وی یکی از شاعران مطرح و تأثیرگذار عصر و جامعه خود بوده که مهم‌ترین ویژگی شعر او توجه به «رسالت و تعهد» در شعرش می‌باشد. گرایش به مسائل سیاسی و اجتماعی در شعر هاشم الرفاعی از عوامل متعددی مانند توجه ویژه به مردم زمانه و آلام موجود در جامعه، روحیه ستم‌ستیزی و درگیری با بیداد حاکمان و متولیان امور، شروع افکار انسان‌گرایانه و دعوت به آزادی انسان از بندگی و فقر و بالا رفتن جایگاه انسان در این دوره، نشأت می‌گیرد. بدین سبب شاعر تمام تلاش و کوشش خود را در راستای انسانیت و رهایی مظلوم از یوغ حاکمان مستبد و استعمارگران به کار می‌گیرد.

از بارزترین جلوه‌های تعهد در شعر هاشم الرفاعی نوید به آزادی و آینده‌ای آرمانی، رثای مردان مبارز و آزادی‌خواهان، بیان درد و رنج مردم مظلوم و ستم‌دیده، دعوت به بیداری و اتحاد در مقابل دشمنان و استعمارستیزی است. او از تلاش فرزندان کشورش در راه آزادی وطن حمایت می‌کند و به بیان دردها و مصیبت‌هایی می‌پردازد که همه مظلومان جهان از آن رنج می‌برند. او همواره با بیدار کردن مردم و برانگیختن روح امید در آنان سهم به‌سزایی در بیدار ساختن مردم مصر در مقابل استعمارگران و حاکمان دست‌نشانده آنان ایفا نموده است. در واقع او با اشعار روشن‌گرانه خود

چهره قبیح استعمار مخصوصاً استعمار انگلستان را برای هم‌میهنان خویش روشن نموده است. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های شعری شاعر، در پرداختن به چنین موضوعاتی زبان صریح وی است تا جایی که شعر او بدون محافظه‌کاری و یا ملاحظات سیاسی با صراحت هر چه تمام‌تر سروده شده است. اشعار جسورانه و پر اقتدار او خون هر وطن‌خواهی را به جوش می‌آورد. به کار بردن مکرر فعل‌های امر و نهی در این اشعار به خوبی گواه شدت خشم شاعر از بیگانگان و تلاش وی در جهت برافروختن آتش انقلاب در میان مردم است.

۶- منابع

-قرآن کریم

- ۱- آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات جاوید، ۱۳۵۸ ه. ش.
- ۲- أبو حاقه، أحمد، الالتزام فی الشعر العربی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۹ م.
- ۳- البعلبکی، روحی، قاموس المورد، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۵ م.
- ۴- الرفاعی، هاشم، الدیوان، تحقیق محمد حسن بریغش، الأردن-الزرقاء: مکتبة المنار، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۵- الفاخوری، حنا، تاریخ الادب العربی، چاپ ششم، تهران: نشر توس، ۱۳۷۰ ه. ش.
- ۶- الماضي، شکری عزیز، فی نظریه الأدب، ط ۱، بیروت: دار الحدائث، ۱۹۸۶ م.
- ۷- النقاش، رجاء، محمود درویش شاعر الأرض المحتلّة، ط ۱، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، ۱۹۷۲ م.
- ۸- براده، محمد، تحولات مفهوم الإلتزام فی الأدب العربی الحدیث، بیروت: دار الفکر، ۲۰۰۱ م.
- ۹- خلیلی جهانتیغ، مریم و رضا رضایی، «بررسی تطبیقی تعهد اجتماعی در شعر محمد مهدی جواهری و محمد فرخی یزدی»، کاوشنامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۹، دانشگاه رازی کرمانشاه، صص ۲۹-۵۶، ۱۳۹۲ ه. ش.

- ۱۰- روشنفکر، کبری و سجاد اسماعیلی و مرتضی زارع برمی، «درونمایه مقاومت در شعر جواد جمیل با تاکید بر دفتر شعری (أشياء حذفها الرقابة)»، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره چهارم، دانشگاه شهید باهنر کرمان، صص ۲۵۷-۲۷۶، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۱۱- سخاوتی، حسین، تعهد یا عدم تعهد در ادبیات، مجله کاوه. شماره ۴۷ و ۴۸، بهار و تابستان، صص ۹۴-۱۰۶، ۱۳۵۲ ه.ش.
- ۱۲- عمادی، اسدالله، جهان بینی و زیبایی شناسی حافظ، تهران: انتشارات دی، ۱۳۷۰ ه.ش.
- ۱۳- فارسیان، محمد رضا و ناهید رضایی، «تعهد در شعر و اندیشه‌ی حافظ و هوگو»، پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره هیجدهم، صص ۵۱-۷۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۱۴- لوتسکی، ولادیمیر، تاریخ عرب در قرون جدید، ترجمه پرویز بابائی، تهران: نشر سپهر، ۱۳۴۹ ه.ش.
- ۱۵- ممتحن، مهدی و زهرا مهاجر، اقبال لاهوری و ابوالقاسم شابی در گذرگاه ادبیات تطبیقی، تهران: انتشارات لوح محفوظ، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۱۶- نجفی، ابوالحسن، وظیفه ادبیات، تهران: کتاب زمان، ۱۳۵۶ ه.ش.
- ۱۷- نعیمه، میخائیل، الغربال، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۳ م.